

اندازه‌گیری شاخصهای فقر بر اساس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی

فرهاد خدادادکاشی*
خلیل حیدری**

فقر مقوله‌ای است جهانی که هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای توسعه یافته نسبت به آن نگرانی دارند. علاوه بر این، سازمانهای بین‌المللی برای کاهش آن تلاش می‌کنند. قانون اساسی ایران و سندهای قانونی الزام‌آوری همچون سند چشم‌انداز و قانون برنامه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر کاهش فقر در ایران تأکید دارند. در این مقاله شاخصهای فقر در ایران به روشهای

*. دکتر فرهاد خدادادکاشی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور.

E.mail: khodadad@pnu.ac.ir

** خلیل حیدری؛ عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

E. mail: kh.heidary@itsr.ir

مختلف و با تأکید ویژه بر رویکرد تغذیه‌ای محاسبه می‌شوند. درصد افراد فقیر و شکاف فقر و شاخص سن، از جمله شاخصهای مورد استفاده در این مقاله هستند. یافته‌های این مقاله دلالت بر آن دارد که مجموعه تحولات اقتصادی و اقدامات حمایتی منجر به کاهش فقر مطلق و افزایش فقر نسبی در ایران شده است. علاوه بر این با مقایسه روشهای مختلف اندازه‌گیری فقر درمی‌یابیم که اندازه فقر و درصد افراد فقیر جامعه تابعی از نحوه نگرش به مفهوم فقر است. واقعیت اقتصاد ایران مؤید آن است که در حوزه سیاستگذاری برای کاهش فقر، مفهوم مطلق فقر مناسب‌ترین مفهوم است.

طبقه بندی JEL: I390

کلید واژه‌ها:

ایران، فقر، عامل فقر، درصد خانوارهای فقیر، شاخص سنجش فقر، شکاف فقر، شاخص سن، عملکرد تغذیه‌ای

مقدمه

مطالعه پیرامون فقر و روشهای فقرزدایی تا قبل از اجرای برنامه تعدیل اقتصادی کمتر مورد توجه محققین ایرانی بوده است و افراد معدودی در این زمینه تحقیق کرده‌اند.^۱ پس از آغاز برنامه تعدیل اقتصادی در سال ۱۳۶۷ که مقارن با شروع برنامه اول توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران بود، در مورد آثار این برنامه بر گروههای کم‌درآمد اظهارنظرهای مختلفی از طرف کارشناسان و پژوهشگران و محافل دانشگاهی مطرح شد. همچنین در محافل تصمیم‌گیری دولت مقوله طراحی تور ایمنی در دستور کار قرار گرفت. همین امر موجب شد که مطالعات متنوعی در خصوص فقر و آثار مختلف سیاستهای اقتصادی بر شاخصهای فقر در محافل دانشگاهی و سازمانهای دولتی آغاز شود، می‌توان به برخی از تلاشهای صورت گرفته کار پژوهیان (۱۳۷۲)، خدادادکاشی^۲ (۱۳۸۱)، محمودی^۳ (۱۳۸۴) و رییس‌دانا^۴ (۱۳۸۴) و سایرین اشاره نمود. از سال ۱۳۶۷ به بعد در تمامی برنامه‌های اقتصادی و در لوایح بودجه، مقوله فقرزدایی مورد توجه بوده است. هر ساله مبالغ قابل توجهی برای کاهش فقر در نظر گرفته شده است. موج خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی که از اوایل دهه ۸۰ بسیاری از کشورها را در بر گرفت، یکی از دلایل گرایش بیشتر محققین به مطالعه پیرامون فقر شد و بر همین اساس بسیاری از سازمانها و نهادهای بین‌المللی و ترتیب‌های منطقه‌ای همچون سازمان ملل، بانک جهانی، فائو، بانک توسعه آسیایی، اسکاپ و غیره به جهت فقرزدایی، برنامه‌های خاصی را تدوین و کشورهای عضو را متعهد به تلاش برای مهار فقر نمودند.

^۱. از جمله پژوهشگرانی که در زمینه مطالعه فقر در ایران پیشرو بوده‌اند می‌توان به زنده یاد دکتر عظیمی اشاره نمود. برای آشنایی با نظرات وی می‌توان به کتاب مدارهای توسعه نیافتگی مراجعه نمود.

^۲. فرهاد خدادادکاشی، «اندازه‌گیری شاخصهای فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر و شاخص فقر ۱۳۷۹-۱۳۶۳»، پژوهشکده آمار، (۱۳۸۱).

^۳. وحید محمودی، *اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران*، (تهران، سازمان سمت، ۱۳۸۴).

^۴. فریبرز رییس دانا، «اندازه‌گیری شاخص و پویای فقر در ایران» *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۷، (تابستان، ۱۳۸۴).

در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران ویژگیهای مختلف ایران در افق سال ۱۴۰۴ هجری شمسی مطرح شده است. بخشی از این ویژگیها عبارت است از: ایرانی برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد و به دور از فقر و فساد. همچنین در مواد مختلف برنامه چهارم، دولت موظف به اقداماتی در جهت بهبود زندگی گروههای کم‌درآمد شده است. بنابر ماده ۸۴ برنامه چهارم دربارهٔ ایجاد امنیت غذا و تغذیه، دولت موظف به تشکیل شورای عالی سلامت و امنیت غذایی، تخصیص منابع برای یارانه مواد غذایی، تهیه برنامه جهت ایمنی غذا و کاهش ضایعات مواد غذایی شده است. ماده ۹۰ بر اقداماتی جهت دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی تأکید دارد. ماده ۹۵ به استقرار عدالت، کاهش فقر و محرومیت و توانمندسازی فقیرها از طریق تخصیص کارآمد و هدفمند منابع تأمین اجتماعی و تدوین برنامه جامع فقرزدایی تأکید دارد. از آنجا که سیاستگذاری و تدوین برنامه‌های فقرزدایی بدون توجه به نقشه فقر امکانپذیر نیست؛ لذا لازم است که از طریق مطالعه پژوهشگران مستقل و همچنین تلاش دستگاههای دولتی برای اندازه‌گیری فقر، برنامه فقرزدایی مبتنی بر اطلاعات کافی تدوین شود. برای این منظور در بخش بعدی این مقاله، مفاهیم مختلف فقر و شیوه‌های مختلف اندازه‌گیری خط فقر معرفی می‌شود. در بخش سوم ماتریس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی ایران محاسبه می‌شود. در بخش چهارم با استفاده از یافته‌های بخش سوم انواع شاخصهای فقر برای مناطق شهری و روستایی ایران محاسبه خواهد شد. از جمله شاخصهای محاسبه شده در این مقاله می‌توان به خط فقر، درصد افراد فقیر (H)، شکاف فقر و شاخص فقر سن اشاره نمود. لازم به توضیح است که در این مطالعه خط فقر براساس انرژی دریافتی غذایی (FEI) و برحسب دو سناریو محاسبه می‌شود.

مفهوم فقر و شیوه‌های اندازه‌گیری خط فقر

فقر به صورتهای مختلف تعریف شده است. البته این تعاریف متفاوت هستند و بین پژوهشگران اختلاف نظر وجود دارد. ولی بیشتر آنها در مورد ضرورت ارائه تعریف فقر اتفاق نظر دارند. فقر به شرایطی اطلاق می‌شود که رفاه در سطح ناچیزی باشد. در بسیاری از این

تعاریف، فقر به محرومیت از رفاه تعبیر می‌شود. از نظر «تانسند»^۱ فقر به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد از منابع لازم برای برخورداری از رژیم غذایی، مشارکت در فعالیتها و امکانات معمول زندگی محروم باشد. «آمارتیاسن»^۲ معتقد است که فقر باید براساس مجموعه ثابتی از قابلیتها تعریف شود؛ به طوری که فقدان این قابلیتها نزد فرد به منزله فقیر بودن وی است. سن معتقد است تمامی تعاریف فقر به نوعی به محرومیت از رفاه اشاره دارند. البته محرومیت خود یک مفهوم نسبی است که ممکن است در مکانها و زمانهای متفاوت با هم فرق داشته باشد. با توجه به تأکید تعاریف مختلف فقر بر محرومیت رفاه، باید به ترتیبی رفاه تعریف شود. مشکل دیگر این است که آیا رفاه افراد قابل ارزیابی می‌باشد؟ علاوه بر این، آیا رفاه افراد قابل مقایسه است؟ برای پاسخ به پرسشهای مذکور و دسترسی به یک تعریف عملیاتی از رفاه به سه شیوه می‌توان عمل کرد: اول آنکه می‌توان رفاه را براساس میزان برخورداری از کالاها تعریف نمود؛ بطوری که هر چه افراد برخورداری بیشتری از کالاها و منابع داشته باشند مرفه‌تر در نظر گرفته شوند. در واقع در این رویکرد به این مسئله توجه می‌شود که آیا فرد از منابع لازم برای تأمین نیازهای خود برخوردار است یا خیر؟ بر این اساس با مقایسه درآمد (یا مصرف افراد) با آستانه‌ای معین از درآمد (یا مخارج مصرفی) وضعیت فرد مشخص می‌شود. اگر چنانچه درآمد وی کمتر از این آستانه باشد، فقیر تلقی می‌شود. در این رویکرد، رفاه و فقر براساس معیار پولی ارزیابی می‌شود.^۳

رویکرد دوم به مقوله رفاه و فقر آن است که بررسی شود آیا افراد به کالاهای مصرفی معینی دسترسی دارند یا خیر؟ برای مثال آیا آنها به اندازه کافی غذا دریافت می‌کنند؟ آیا از مسکن و مأمّن برخوردارند؟ آیا از مراقبتهای بهداشتی و خدمات آموزشی بهره‌مند هستند؟ در این رویکرد برای ارزیابی رفاه و فقر به فراتر از معیارهای پولی توجه می‌شود و این مسئله مهم است که آیا فرد از کالاها و خدمات موردنظر برخوردار می‌باشد؟ برای مثال فقر تغذیه‌ای برحسب عقب‌ماندگی در رشد و فقر آموزشی برحسب بی‌سوادی اندازه‌گیری می‌شود.

^۱. P. Townsend, (1962-1979).

^۲. A. Sen, (1983-1987).

^۳. Martin Ravallion, (1998).

در رویکرد سوم برای اندازه‌گیری رفاه از توانایی و قابلیت برای مشارکت در جامعه استفاده می‌شود. این رویکرد که توسط آمارتیا سن (۱۹۸۷) معرفی شد از دو رویکرد دیگر برای تعریف رفاه وسیع‌تر است. بر این اساس فرد هنگامی فقیر تلقی می‌شود که از تعدادی از قابلیت‌های کلیدی محروم باشد؛ برای مثال فرد فقیر ممکن است از درآمد و سواد کافی یا از امنیت، یا از سلامتی یا از اعتماد به نفس و یا از آزادی برخوردار نباشد. از نظر سن (۱۹۸۳) فقر مقوله‌ای است چند بعدی و تنها یک راه حل منحصر برای آن نمی‌توان متصور بود. بنابر این ضمن اینکه پذیرفته می‌شود GNP و درآمد ملی بالاتر بطور مؤثر می‌تواند موجب کاهش فقر شود، ولی علاوه بر آن باید به سایر عوامل موجد فقر نیز توجه داشت، و آموزش و بهداشت لازم را در اختیار گروه‌های در معرض فقر قرار داد و آنها را در مقابل انواع ریسک‌ها بیمه نمود. همچنین از طریق مهارت‌آموزی توانایی‌های آنها را تقویت نمود.

خط فقر

در مطالعات پیرامون فقر، خط فقر نقش بسیار کلیدی دارد و اساساً محاسبه انواع شاخص‌های فقر منوط به محاسبه خط فقر است. خط فقر ابزاری است که به کمک آن فقیرها از غیر فقیرها جدا می‌شوند. خطر فقر برابر است با میزان منابعی که فرد (خانوار) نیاز دارد تا به یک سطح معینی از رفاه موسوم به آستانه فقر دست یابد. مارتین راولیون خط فقر را چنین تعریف می‌کند:

«خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای

دسترسی به یک سطح معین رفاه (آستانه فقر) متحمل می‌شود.»

بنابراین افرادی که به سطح رفاه مورد نظر دسترسی نداشته باشند فقیر تلقی می‌شوند. همانگونه که ملاحظه می‌شود در تعریف خط فقر باز مفهوم رفاه مطرح است. به عقیده «تارو»^۱ (۱۹۶۹) هر تعریفی از خط فقر بطور ضمنی براساس یک تعریف از رفاه پایه‌ریزی شده است و برای محاسبه خط فقر باید مفهوم رفاه را به نحوی مشخص نمود. بسته به اینکه چه مفهومی از رفاه مورد توجه باشد، خط فقرهای متفاوت خواهیم داشت. در مطالعات

^۱ L. C. Thurow, (1969).

کاربردی برای اندازه‌گیری شاخصهای فقر اغلب از درآمد و مخارج مصرفی به عنوان معیاری از رفاه استفاده می‌شود.

خط فقر مطلق و نسبی

اندازه خط فقر به مفهومی از فقر که پژوهشگر در نظر دارد وابسته است: ۱. خط فقر مطلق ۲. خط فقر نسبی. خط فقر مطلق عبارت از مقدار درآمدی است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مورد بررسی برای تأمین حداقل نیازهای هر فرد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و ...) لازم است. به عبارت دیگر خط فقر مطلق عبارت است از حداقل امکاناتی که عدم تأمین آن موجب می‌شود فرد به عنوان فقیر در نظر گرفته شود. مقدار واقعی خط فقر مطلق در طی زمان ثابت است و با تغییر استاندارد سطح زندگی در جامعه تغییر نمی‌کند؛ اما خط فقر نسبی عبارت است از میزان درآمدی که فرد برای برخورداری از شرایط استاندارد زندگی در جامعه نیاز دارد. خط فقر نسبی با تغییر استاندارد زندگی تغییر می‌کند. در عمل خط فقر در کشورهای ثروتمند و پیشرفته بیشتر از خط فقر کشورهای فقیر است.

در تعریف خط فقر همواره این پرسش مطرح است که فقر براساس محرومیت نسبی اندازه‌گیری شود یا محرومیت مطلق؟ این موضوع در شکل‌گیری و تدوین سیاستهای کاهش فقر اهمیت دارد. اگر مفهوم مطلق فقر مورد توجه باشد در این صورت بهترین سیاست برای کاهش فقر، رشد و توسعه اقتصادی است. اما اگر فقر براساس مفهوم نسبی مورد توجه باشد، بهترین اقدام برای کاهش فقر مقابله با نابرابری در توزیع درآمد است. علاوه بر این باید توجه داشت که اندازه خط فقر نه تنها تابعی از مفهوم فقر؛ بلکه از شیوه عملی محاسبه خط فقر نیز متأثر است.

انواع روشهای محاسبه خط فقر

روشهای محاسبه خط فقر بسیار متنوع است. بسته به مفهوم مورد پذیرش از فقر و روش محاسباتی، می‌توان انواع خط فقر را معرفی نمود:

۱. هزینه نیازهای اساسی

۲. روش نسبت مواد غذایی
۳. روش انرژی دریافتی
۴. درصدی از میانه یا میانگین توزیع درآمد جامعه
۵. رویکرد صدک‌های توزیع درآمد
۶. روش ذهنی (پرسش در مورد حداقل درآمد)

روش هزینه‌های اساسی: در این روش یک سبد مصرفی حاوی میزان معینی از کالاها و خدمات در نظر گرفته می‌شود که با مصرف محتوای این سبد نیازهای اساسی مصرفی فرد برآورده می‌شود. پس از تعیین محتوای این سبد، هزینه ریالی تأمین آن به عنوان خط فقر لحاظ می‌شود. این روش توسط «راونتری»^۱ (۱۹۰۱) و «بوت»^۲ (۱۸۹۲) بکار گرفته شد. در عمل برای کاربرد این روش ابتدا هزینه تأمین نیازهای غذایی اساسی تخمین زده شده و سپس هزینه‌های اساسی غیر غذایی به آن اضافه می‌شود، بدین ترتیب خط فقر محاسبه می‌شود.

- در محاسبه خط فقر براساس نیازهای اساسی باید به پرسشهای زیر پاسخ داده شود:
۱. نیازهای اساسی را چگونه می‌توان از نیازهای غیراساسی تشخیص داد.
 ۲. اگر غذا به عنوان اساسی‌ترین نیاز شناخته شود در این صورت نیازهای اساسی غذا چگونه تعریف می‌شود و هزینه غذا چگونه باید محاسبه شود.
 ۳. چگونه از هزینه مواد غذایی می‌توان به خط فقر دست یافت.

تخمین هزینه غذا: برای محاسبه هزینه مواد غذایی اغلب حداقل کالری مورد نیاز برای بر خورداری از سلامت و حفظ کارایی فیزیکی در نظر گرفته می‌شود. البته باید توجه داشت که نیاز اساسی غذایی برحسب سن، جنس، شغل، فعالیت بدنی، مسکن، شرایط آب و هوایی و نحوه گذران فراغت متفاوت است. با توجه به اینکه استاندارد زندگی در جوامع

^۱. Rowntree, (1901).

^۲. Booth, (1892).

مختلف متفاوت است، در مورد حداقل نیاز به کالری اتفاق نظر وجود ندارد. میزان انرژی مورد نیاز به جامعه‌ای که فرد در آن زیست می‌کند وابسته است. بعضی از محققین ۳۵۰۰ کالری در روز را توصیه می‌کنند. فائو حداقل کالری مورد نیاز را ۲۱۰۰ کالری در نظر می‌گیرد. پژوهشگران در مطالعات خود در مورد ایران ۲۱۷۹ و ۲۳۰۰ کالری را برای محاسبه خط فقر در نظر گرفت. حتی اگر در مورد حداقل انرژی مورد نیاز توافق وجود داشته باشد، باز هم مشکل انتخاب رژیمی که کالری مورد نیاز را تأمین نماید مطرح است! اگر چنانچه رژیم غذایی موردنظر برای تأمین حداقل انرژی موردنیاز بدن، بدون توجه به ترجیحات افراد و الگوی مصرف واقعی انتخاب شود به سختی می‌توان انتظار داشت که مردم از این رژیم غذایی در عمل استقبال کنند. بر این اساس متخصصین علم تغذیه باید تلاش کنند که با توجه به الگوی مصرف واقعی خانوارها یک برنامه غذایی اقتصادی را ارائه کنند.

محاسبه سایر نیازهای اساسی: پس از تخمین هزینه نیازهای اساسی غذایی باید به

ترتیبی هزینه نیازهای اساسی غیرغذایی را تخمین زد. مسکن، پوشاک، سوخت و روشنایی، از مهمترین نیازهای اساسی غیرغذایی محسوب می‌شوند. راونتری پیشنهاد نمود که هزینه هر یک از اقلام فوق بطور جداگانه تخمین زده شود. برای این کار باید به روشهای مختلف بررسی شود که تأمین حداقل مسکن، پوشاک و سوخت که زندگی انسان در خطر نباشد مستلزم چه میزان هزینه است. البته به این روش ایرادات فراوانی وارد است که از بحث پیرامون آن خودداری می‌شود. روش دیگر برای تخمین نیازهای اساسی، استفاده از ضریب انگل است. بدین ترتیب که با رگرس نمودن مخارج کل (درآمد) بر مخارج غذایی، بخشی از درآمد که صرف مواد غذایی می‌شود بدست می‌آید و سپس با ضرب نمودن هزینه مواد غذایی در معکوس ضریب انگل می‌توان به خط فقر دست یافت. «ارشانسکی»^۱ با استفاده از روش فوق خط فقر را برای اداره تأمین اجتماعی آمریکا محاسبه نمود. وی معتقد بود یک رابطه پایدار بین هزینه مواد غذایی و غیرغذایی وجود دارد. وی پس از محاسبه هزینه یک رژیم غذایی مکفی رقم فوق را در عدد ۳ ضرب نمود و بدین ترتیب خط فقر را محاسبه نمود. این روش نیز در مطالعه تحقیقاتی پژوهشگرده

^۱. M. Orshansky, (1963).

آمار ایران نیز بکار گرفته شد. همچنین «محمودی»^۱ (۱۳۸۱) این روش را برای ایران مورد توجه قرار داده است. در این روش خط فقر به شدت متأثر از سهم غذا در مخارج کل است. عده‌ای از محققین معتقدند بهتر است به جای ضریب انگل جامعه از ضریب انگل فقرا استفاده نمود؛ یعنی هزینه مواد غذایی مکفی را در معکوس ضریب انگل فقرا ضرب نموده تا به خط فقر دست یافت. این دسته از متخصصین معتقدند بخشی از درآمد که صرف غذا می‌شود برای گروههای فقیر به مراتب کمتر از متوسط جامعه است. البته کاربرد روش اخیر موجب می‌شود خط فقر کمتر ارزیابی شود که ایراداتی به آن وارد است.

مزیت روش ضریب انگل این است که نیازی نیست هزینه تک تک اقلام اساسی غیرغذایی تخمین زده شود. خط فقری که از این روش بدست می‌آید با مفهوم نسبی فقر سازگار است. بر این روش این انتقاد وارد است که پایه استدلال قوی برای انتخاب سهم غذا وجود ندارد و اساساً این پرسش مطرح است که چرا در محاسبه خط فقر باید از سهم غذا استفاده نمود؟ و سهم غذای چه گروهی باید مورد توجه باشد؟

روش نسبت مواد غذایی: این روش مشابه روش ارشانسکی بر رابطه بین غذا و درآمد وابسته است. این روش برای اولین بار توسط «واتس»^۲ مطرح شد. وی نسبت معینی از غذا به درآمد را به عنوان آستانه و مرز فقر و غیرفقر در نظر گرفت. خانوارهایی که نسبت مخارج غذا به درآمدشان بیشتر از نسبت مزبور باشد، فقیر تلقی شده و خانوارهایی با نسبت کمتر از آن غیرفقیر محسوب می‌شوند. این روش در مقایسه با هزینه نیازهای اساسی از چند مزیت برخوردار است، اول آنکه نیاز به تعیین حداقل نیازهای غذایی نیست. دوم نیاز به انتخاب رژیم غذایی - که حداقل نیازهای تغذیه‌ای را تأمین کند - وجود ندارد. سوم در این روش از الگوی مصرف واقعی خانوارها برای محاسبه خط فقر استفاده می‌شود.

^۱. وحید محمودی، «اندازه‌گیری فقر در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، سال ششم، شماره ۲۴، (پاییز ۱۳۸۱).

^۲. H. Watts, (1967).

روش انرژی غذایی دریافتی (F.E.I.): در این روش آن سطحی از درآمد (مخارج) که این امکان را می‌دهد که فرد به اندازه‌ای غذا دریافت کند که حداقل انرژی موردنیاز را بدست آورد، تعیین می‌شود. البته درآمد (مخارج) موردنظر، اقلام غذایی و غیرغذایی را در بر می‌گیرد. مزیت این روش این است که نیاز به تعیین رژیم غذایی و نیاز به تعیین اقلام غذایی نیست و خط فقر کاملاً متأثر از الگوی مصرف واقعی خانوارها استخراج می‌شود.

این روش در ایران برای اولین بار توسط پژوهشگران (۱۹۹۴) برای تعیین خط فقر بکار گرفته شد^۱ و توسط «راولین و بیدانی»^۲ برای کشورهای اندونزی، ویتنام، فیلیپین، تایلند و چین بکار گرفته شد.

عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی

در محافل علمی پذیرفته شده است که برای ارزیابی و قضاوت راجع به فقر نباید صرفاً به درآمد توجه شود و در واقع به پیروی از سن (۱۹۸۵) یک فرد یا خانوار را نباید بخاطر سطح درآمد پایین فقیر تلقی نمود، بلکه قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها و میزان دسترسی فرد به امکانات باید ملاک ارزیابی قرار گیرد. عدم دسترسی به خدمات بهداشتی، عدم دسترسی به آب بهداشتی، بی‌سوادی و کم‌سوادی، عدم درک صحیح از حقوق فردی و اجتماعی از مهمترین عناصر فقر هستند.

بین فقر و سلامت، رابطه دو طرفه‌ای برقرار است و تغذیه عامل مهمی در تعیین ماهیت این رابطه محسوب می‌شود. شرایط تغذیه‌ای فرد عامل مؤثری در تضعیف یا تقویت رابطه فقر و سلامت است. تغذیه بد موجب ضعف بدنی، مقاومت کم در مقابل بیماری‌ها و کاهش ظرفیت کاری و بهره‌وری فرد می‌شود و در نهایت بر شدت فقر می‌افزاید. در طی دوران رشد اتفاقات مهمی در وضعیت فیزیکی، ذهنی، هوشی و روانشناختی در فرد ایجاد می‌شود و در این دوره نیاز به مواد غذایی بشدت افزایش می‌یابد که البته گروه‌های فقیر قادر به تأمین این نیازها نبوده و با توجه به مشکلات که از دوره‌های قبل به دلیل محرومیت به همراه

^۱ طرح مطالعاتی اقشار آسیب‌پذیر، معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد، (۱۳۷۱).

^۲ M. Ravallion and Bidani, (1994, 1995).

داشته‌اند، صدمات غیرقابل جبرانی بر سلامت و ذهن آنها وارد می‌شود و در نهایت نیز منجر به بیماری، کارایی پایین و تداوم فقر خواهد شد.

به دلیل تأثیر شرایط تغذیه‌ای بر رابطه فقر و سلامتی در بسیاری از مطالعات، فقر از جنبه نیازهای اساسی غذایی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است.

«راجر- نلسون»^۱ (۱۹۸۱) تأثیر کمکهای غذایی را بر امنیت غذایی و فقر در هندوستان بررسی نمودند. «سان»^۲ (۱۹۹۵، ۱۹۹۲) تأثیر تعدیل ساختاری را بر امنیت غذایی خانوارهای آفریقایی ارزیابی نمود. همچنین وی نقش کمکهای غذایی را بر کاهش فقر در موزامبیک ارزیابی نمود. «آلدرمن»^۳ (۱۹۹۷) عوامل مؤثر در عملکرد تغذیه‌ای مردم موزامبیک را با توجه به اثرات ویژه سن بررسی نمود. «پانگر»^۴ (۲۰۰۷) مقوله فقر را از دید نابرابری در سطح خانوار و بین اعضای خانوار بررسی نمود. وی از شاخص BMI^۵ به عنوان ابزاری برای ارزیابی میزان کالری دریافتی، وضعیت بهداشت و سلامت استفاده نمود.

در ایران نیز در مطالعات متعدد موضوع امنیت غذایی و فقر با نگاه ویژه به عملکرد غذایی انجام شده است و برای اولین بار «پژویان» با کاربرد روش جدید و محاسبه ماتریس عملکرد غذایی، اقدام به محاسبه خط فقر نمود. اخوی (۱۳۷۷) در مطالعه خود ضمن ارزیابی فقر از جنبه غذایی تغییر در میزان فقر را طی برنامه اول ارزیابی نمود. دینی و رحیمی (۱۳۷۷) بطور جداگانه با در نظر گرفتن معیار تغذیه نرمال فقر غذایی را بررسی نمودند. رحیمی ۷۴/۳ درصد از خانوارهای شهری و ۷۵ درصد از خانوارهای روستایی را فقیر ارزیابی نمود. خداداد و حیدری با استفاده از داده‌های درآمد و هزینه خانوار ضمن مطالعه مخارج خانوارها و با کاربرد روش پژویان برای عملکرد تغذیه‌ای، کارایی هزینه‌ای و اثربخشی مخارج خانوارها در تأمین نیازهای غذایی و همچنین امنیت غذایی خانوارهای ایرانی و نقش اقلام بارانه‌ای خوراکی در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی ایران را بررسی نمودند.

^۱ B. Rogers and D. Nelson, (1981).

^۲ D. Sahn, (1992, 1995).

^۳ H. Alderman, (1997).

^۴ S. D. Younger, (2007).

^۵ Body Mass Index

در ادامه بحث با استفاده از داده‌های خام طرح آمارگیری از درآمد و هزینه خانوار و با تأکید بر عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی شاخصهای فقر محاسبه می‌شود. شاخصهای فقر مورد نظر در این مطالعه عبارتند از: ۱. خط فقر ۲. درصد افراد فقیر ۳. شکاف فقر ۴. شاخص فقر سن.

برای محاسبه شاخصهای فوق ابتدا باید عملکرد تغذیه‌ای خانوارها استخراج شود. مشابه روش پژوهش‌های خانوارها براساس مخارج کل سرانه‌شان به ده دهک درآمدی تفکیک شدند، سپس مصرف اقلام غذایی مختلف هر یک از دهکهای درآمدی در نظر گرفته شد و بدین ترتیب ماتریس اقلام مصرفی بدست آمد. پس از آن، ماتریس ارزشهای غذایی اقلام فوق را تنظیم نموده و با ضرب نمودن این دو ماتریس، عملکرد تغذیه‌ای فرد شاخص و ده دهک درآمدی به تفکیک مناطق شهری و روستایی محاسبه می‌شود.

پژوین با استفاده از داده‌های مصرف خانوارها در طی سالهای ۶۲ تا ۶۹ ماتریس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی را محاسبه نمود. در این مقاله به منظور محاسبه شاخصهای فقر در طی سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۶ عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی محاسبه می‌شود.

در جدول (۱) انرژی و پروتئین دریافتی خانوارهای شهری و روستایی برای فرد شاخص و ده دهک درآمدی برای سال ۱۳۸۶ درج شده است. ارقام مندرج در جدول دلالت بر آن دارد که ۱۰ درصد خانوارهای شهری و روستایی قادر به تأمین انرژی مورد نیاز خود (۲۳۰۰ کالری) نبوده‌اند. از نظر پروتئین دریافتی تنها ۱۰ درصد خانوارهای روستایی مشکل داشته‌اند، و کمتر از نیاز (۶۰ گرم در روز) پروتئین دریافت داشته‌اند.

جدول ۱. عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی روزانه-سرانه ۱۳۸۶

		D ₁₀	D ₉	D ₈	D ₇	D ₆	D ₅	D ₄	D ₃	D ₂	D ₁	فرد شاخص		
انرژی (کالری)	شهری	۴۰۳۰	۳۷۰۸	۳۴۲۲	۳۲۴۰	۳۰۸۱	۲۹۳۱	۲۸۰۸	۲۷۱۷	۲۵۳۹	۲۱۸۴	۳۰۶۶	۳۰۶۶	شهری
	روستایی	۵۳۵۵	۴۵۸۸	۴۰۶۸	۳۸۰۹	۳۵۷۸	۳۴۳۰	۳۱۰۴	۲۹۳۱	۲۶۳۸	۲۱۰۶	۳۵۶۱	۳۵۶۱	روستایی
پروتئین (گرم)	شهری	۱۳۰	۱۱۸	۱۰۷	۱۰۱	۹۶	۹۰	۸۶	۸۱	۷۵	۶۴	۹۵	۹۵	شهری
	روستایی	۱۵۹	۱۳۱	۱۱۶	۱۰۷	۱۰۰	۹۵	۸۶	۸۱	۷۱	۵۶	۱۰۰	۱۰۰	روستایی

منبع: یافته‌های پژوهش.

- برای مطالعه راجع به عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی در طی سالهای ۶۲ تا ۶۹ به پژوهان (۱۳۷۳ و ۱۳۷۴) مراجعه کنید.

از آنجا که در این مطالعه بر انرژی دریافتی تأکید شده است، لذا در جدول (۲) میزان انرژی دریافتی روزانه فرد شاخص، دهک اول و دهک دهم مناطق شهری و روستایی برای دوره زمانی ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۶ درج شده است و با توجه به ارقام جدول مشخص شود که: - بطور متوسط روستاییان و شهرنشینان انرژی دریافتی را بیشتر از حد توصیه شده دریافت می‌کنند.

- انرژی دریافتی دهک اول شهری و روستایی در شرایط بحرانی است. لازم به توضیح است که در بعضی از سالها تا بیست درصد مردم مناطق شهری و روستایی از کمبود انرژی نسبت به میزان توصیه شده در رنج بوده‌اند. نباید از نظر دور داشت که تصویر فوق از عملکرد تغذیه‌ای خانوارها با توجه به یارانه مصرفی است که در صورت حذف یارانه مواد غذایی؛ بویژه نان، درصد بیشتری از جامعه با کمبود انرژی و پروتئین مواجه خواهند شد.

- گروههای پردرآمد روستایی در مقایسه با گروههای پردرآمد شهری انرژی بیشتری دریافت کرده‌اند.

- نابرابری در انرژی دریافتی روستاییان بیشتر از شهرنشینان است.

جدول ۲. انرژی دریافتی شهرنشینان و روستائیان به تفکیک دهک روزانه - سرانه

شهری			روستایی			سال
دهک دوم	دهک اول	متوسط	دهک دوم	دهک اول	متوسط	
۴۲۸۱	۲۰۲۳	۲۹۶۹	۶۱۵۱	۸۱۶	۲۶۳۶	۱۳۷۲
۴۲۸۱	۲۰۲۳	۲۹۶۹	۷۴۶۵	۱۴۵۱	۳۴۹۵	۱۳۷۴
۲۹۶۷	۲۰۹۶	۲۹۶۰	۶۱۶۸	۱۵۵۴	۳۲۹۴	۱۳۷۵
۴۰۱۸	۲۲۱۲	۳۰۴۸	۷۱۷۵	۱۶۹۰	۳۶۱۴	۱۳۷۶
۳۸۷۸	۲۱۲۹	۲۸۶۹	۷۶۳۶	۱۶۱۸	۳۴۷۰	۱۳۷۷
۴۲۹۴	۲۲۲۳	۳۰۴۸	۷۳۵۷	۱۷۹۳	۳۶۹۶	۱۳۷۸
۴۲۷۰	۱۷۹۲	۲۹۲۴	۶۲۶۳	۱۶۷۳	۳۴۸۹	۱۳۷۹
۳۸۸۴	۲۲۹۹	۳۰۷۸	۷۱۳۵/۴	۲۰۸۴	۳۷۶۲	۱۳۸۰
۲۹۸۲	۲۲۰۸	۳۰۳۸	۷۲۰۱	۲۱۲۳	۲۸۹۰	۱۳۸۱
۳۶۴۵	۲۲۹۳	۲۹۵۶	۵۱۴۶	۲۱۹۲	۳۶۴۲	۱۳۸۲
۳۹۱۰	۲۱۸۱	۲۹۶۰	۵۴۴۴	۲۱۵۴	۳۶۰۳	۱۳۸۳
۲۸۲۵	۲۱۷۳	۲۹۳۷	۵۲۴۴	۲۱۴۹	۳۵۶۶	۱۳۸۴
۳۹۷۲	۲۱۶۸	۳۰۱۹	۵۲۸۸	۲۰۷۵	۳۵۱۳	۱۳۸۵
۴۰۳۰	۲۱۸۴	۳۰۶۶	۵۳۵۵	۲۱۰۶	۳۵۶۱	۱۳۸۶

منبع: یافته‌های پژوهش.

- برای بررسی عملکرد تغذیه‌ای سالهای ۶۲ تا ۶۹ به پژوهان (۱۳۷۳ و ۱۳۷۴) مراجعه

کنید.

با بررسی انرژی دریافتی خانوارها از محل کالاهای مختلف مشخص می‌شود که گروههای کم‌درآمد روستایی و شهری در تأمین انرژی بشدت به اقلام موجود در بسته حمایتی دولت وابسته‌اند؛ برای مثال در سال ۱۳۸۶ اقلامی همچون آرد گندم (به علاوه انواع نان)، انواع برنج، گوشت قرمز، شیر پاستوریزه، انواع روغن نباتی و قند و شکر مجموعاً ۸۴ درصد انرژی دریافتی دهک اول شهری و ۸۲ درصد انرژی دریافتی دهک اول روستایی را تأمین کرده‌اند. بنابراین ملاحظه می‌شود که گروههای فقیر در تأمین انرژی دریافتی بشدت وابسته به سبد حمایتی دولت هستند. لازم به توضیح است که اظهارات بالا به معنی آن نیست که درصدهای گفته شده همگی از طریق حمایت دولت تأمین شده است؛ بلکه تأکید بر آن است که اقلامی که در بسته حمایتی دولت قرار گرفته‌اند، نقش عمده‌ای در الگوی مصرف و تأمین نیازهای غذایی گروههای کم‌درآمد دارند.

جدول ۳. سهم اقلام یارانه‌ای در تأمین انرژی و پروتئین دریافتی

گروههای درآمدی در سال ۱۳۸۶ درصد

روستایی			شهری		
دهک دهم	دهک اول	فرد شاخص	دهک دهم	دهک اول	فرد شاخص
۵۹	۸۲	۶۸/۵	۶۴	۸۴	۷۴
۴۹	۷۲	۵۷	۴۹	۷۱	۵۹

منبع: یافته‌های پژوهش.

لازم به ذکر است برای محاسبه ارقام جدول فوق ابتدا از طریق ماتریس عملکرد تغذیه‌ای کل انرژی و پروتئین دریافتی دهکهای مختلف درآمدی محاسبه شد و سپس بطور جداگانه انرژی و پروتئین دریافتی از اقلام موجود در بسته حمایتی دولت محاسبه شد. با تقسیم آن بر کل انرژی دریافتی، سهم اقلامی که در بسته حمایتی قرار داشته‌اند از کل انرژی و پروتئین دریافتی محاسبه شد. لازم به ذکر است که انرژی دریافتی اقلام موجود در بسته حمایتی هم به صورت یارانه‌ای و هم از طریق بازار آزاد قابل خریداری می‌باشد.

نکته دیگر که باید به آن توجه داشت میزان مصرف گروههای کم‌درآمد از اقلام موجود در بسته حمایتی است. در بسیاری از سالهای مطالعه، گروههای کم‌درآمد، اقلامی همچون برنج، قند و شکر و روغن را کمتر از میزان تعیین شده در نظام حمایتی دریافت کرده‌اند^۱ و این نکته مؤید آن است که گروههای کم‌درآمد در تأمین انرژی خود بشدت به نظام حمایتی وابسته هستند؛ در حالیکه این موضوع برای گروههای پردرآمد صادق نیست. این ادعا را می‌توان با مراجعه به قیمت ضمنی اقلام یارانه‌ای برای دهکهای مختلف درآمدی تأیید نمود.

شاخصهای فقر در ایران

پس از تعیین میزان انرژی دریافتی دهکهای مختلف شهری و روستایی امکان محاسبه خط فقر فراهم می‌آید. در جدول زیر خط فقر براساس رویکرد FEI و با اقتباس از شیوه

^۱ «الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۷۹).

پژویان (۱۹۹۴ و ۱۳۷۵) برای سالهای ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ برای مناطق شهری و روستایی محاسبه و درج شده است. برای محاسبه خط فقر دو سناریوی متفاوت برای حداقل نیاز به کالری در نظر گرفته شد: در سناریوی اول ۲۱۷۹ کالری و در سناریوی دوم ۲۳۰۰ کالری به عنوان حداقل کالری مورد نیاز در نظر گرفته شد.

جدول ۴. برآورد خط فقر بر پایه نیاز به انرژی سالهای ۱۳۶۳-۱۳۸۶

سرانه - ماه - ریال

۲۳۰۰ کالری		۲۱۷۹ کالری		
روستایی	شهری	روستایی	شهری	سال
۳۶۹۸	۱۱۴۷۰	۳۵۰۳	۱۰۸۶۷	۶۳
۵۰۱۸	۱۳۹۳۹	۴۳۲۰	۱۱۶۰۸	۶۴
۶۳۲۲	۱۳۳۶۰	۹۲۰۸	۱۳۶۵۷	۶۵
۸۸۱۳	۲۲۵۳۹	۹۰۷۹	۱۴۳۵۵	۶۶
۱۶۵۷۹	۲۶۳۹۶	۱۳۷۵۴	۲۵۰۰۷	۶۷
۹۳۴۷	۲۱۵۷۲	۸۸۵۱	۲۰۴۵۵	۶۸
۱۲۳۰۵	۲۳۴۲۷	۱۱۶۷۸	۲۱۰۳۰	۶۹
۱۸۰۸۲	۲۱۸۷۵	۱۰۱۱۹	۱۷۶۶۳	۷۰
۲۰۱۰۴	۳۳۲۵۱	۱۹۰۴۶	۳۱۵۰۲	۷۱
۲۷۰۶۲	۵۱۶۹۱	۲۵۶۳۹	۳۷۴۷۰	۷۲
۴۳۴۴۸	۵۹۵۰۷	۴۰۱۲۰	۶۵۳۷۶	۷۴
۴۸۳۹۸	۸۱۵۲۳	۴۵۸۵۲	۷۷۳۳۴	۷۵
۵۸۵۳۸	۸۵۶۰۴	۵۰۱۷۷	۴۰۳۶۴	۷۶
۶۴۷۳۱	۱۱۶۹۰۲	۶۱۳۱۶	۱۱۰۷۵۲	۷۷
۶۸۰۵۲	۱۳۸۰۰۸	۶۴۴۷۱	۱۱۳۳۸۰	۷۸
۸۹۳۸۳	۱۶۱۹۳۸	۸۴۶۸۴	۱۵۳۴۰۸	۷۹
۱۰۱۸۳۸	۱۸۶۳۱۶	۹۶۴۸۱	۱۳۶۴۹۷	۸۰
۱۲۵۷۳۴	۲۳۰۱۳۳	۱۱۹۱۱۹	۱۵۸۸۶۴	۸۱
۱۶۱۶۴۳	۲۹۳۵۴۱	۱۱۶۲۲۲	۱۷۹۳۴۰	۸۲
۲۰۵۰۴۵	۳۸۱۵۱۹	۱۴۵۹۰۰	۲۴۴۱۸۰	۸۳
۲۳۱۴۶۳	۴۲۰۳۰۸	۱۶۵۱۰۱	۲۷۸۰۱۴	۸۴
۲۶۷۸۰۲	۴۶۶۸۶۳	۱۹۴۴۳۶	۳۲۱۴۹۱	۸۵
۳۱۷۶۷۵	۵۶۳۲۹۲	۲۳۱۱۴۹	۳۸۴۵۵۷	۸۶

منبع: یافته‌های پژوهش.

همانگونه که ملاحظه می‌شود خط فقر در طی سالهای ۶۳ تا ۸۶ روند صعودی داشته است. نکته دیگر اینکه خط فقر شهری با هر دو سناریو برای مناطق شهری بیشتر از مناطق

روستایی است. در سال ۱۳۸۶ با توجه به حداقل نیاز به ۲۳۰۰ کالری، خط فقر در مناطق شهری و روستایی برحسب ماه-نفر به ترتیب ۵۶۳۲۹۲ ریال و ۳۱۷۶۷۵ ریال است. البته لازم به ذکر است خط فقر مندرج در جدول (۴) این مقاله با مفهوم مطلق فقر سازگار می‌باشد و اغلب اندازه‌چنین خط فقرهایی کمتر از خط فقرهای نسبی است. به منظور روشن شدن این مسئله، در جدول زیر خط فقر مناطق شهری و روستایی برای سال ۸۶ براساس روشهای مختلف درج شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود کمترین خط فقر مربوط به رویکرد FEI برمبنای ۲۱۷۹ کالری و بزرگترین خط فقر مربوط به رویکرد ضریب انگل است. لازم به یادآوری است که رویکرد اول با مفهوم مطلق فقر و رویکرد دوم با مفهوم نسبی فقر سازگار می‌باشد و برای محاسبه خط فقر براساس ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین، ابتدا توزیع مخارج جوامع شهری و روستایی در نظر گرفته شده و پس از محاسبه میانگین این توزیع، معادل ۵۰ و ۶۶ درصد آن به عنوان خط فقر محسوب می‌شود. همچنین در روش ضریب انگل، ابتدا مخارج خوراکی دهکهای مختلف درآمدی بر مخارج کل آنها رگرس شده و ضریب انگل نیز محاسبه شد و پس از آن معکوس ضریب انگل در متوسط مخارج خوراکی ضرب و حاصل معیار خط فقر قرار گرفت.

جدول ۵. اندازه‌گیری خط فقر براساس روشهای مختلف محاسبه در سال ۱۳۸۶

نفر- ماه- ریال

ضریب انگل	۶۶ درصد میانگین	۵۰ درصد میانگین	۲۳۰۰ کالری	۲۱۷۹ کالری	
۲۸۶۶۳۴۲	۱۱۹۱۸۲۵	۹۰۲۸۹۸	۵۶۳۲۹۲	۳۸۴۵۰۷	شهری
۱۲۹۸۱۳۳	۶۴۲۵۷۶	۴۸۶۸۰۰	۳۱۷۶۷۵	۲۳۱۱۴۹	روستایی

منبع: یافته‌های پژوهش.

درصد افراد فقیر (H). پس از تعیین خط فقر شرایط لازم برای محاسبه انواع شاخصهای فقر بدست می‌آید. با تطبیق خط فقر با مخارج کل تمامی خانوارهای موجود در طرح آمارگیری درآمد و هزینه خانوار، وضعیت هر خانوار مشخص می‌شود. در جدول زیر

درصد خانوارهای فقیر در مناطق شهری و روستایی در فاصله سالهای ۷۱ تا ۸۶ درج شده است. با توجه به ارقام مندرج در جدول زیر مشخص می‌شود که با توجه به مفهوم مطلق فقر، درصد خانوارهای فقیر در جوامع روستایی در فاصله سالهای ۷۱ تا ۷۳ روند افزایشی داشته است و از ۳۲/۵ درصد به ۴۲ درصد تغییر می‌یابد، ولی از این سال به بعد سیر نزولی طی می‌کند تا سال ۱۳۸۳ که درصد خانوارهای فقیر به ۳/۷ درصد می‌رسد و از این به بعد نیز تا ۱۳۸۶ افزایش می‌یابد؛ به طوری که درصد خانوارهای فقیر روستایی با توجه به مفهوم مطلق فقر به حدود ۴ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش می‌یابد. این روند برای جوامع شهری و روستایی یکسان است. نکته دیگر آنکه با توجه به مفهوم مطلق فقر، درصد افراد فقیر در جوامع روستایی همواره بیشتر از درصد افراد فقیر شهری بوده است. علاوه بر این ارقام جدول (۶) مؤید آن است که براساس مفهوم نسبی فقر، همواره بیش از ۶۵ درصد افراد، فقیر بوده‌اند و درصد فقر در جوامع شهری بیشتر از جوامع روستایی بوده است.

جدول ۶. درصد افراد فقیر برحسب انواع خط فقر - شهری / روستایی

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶
نوع خط فقر	۲۸	۲۴	۳۴	۱۵	۱۶/۵	-	۱۴	۹/۷	۱۲/۳	۶/۷	۵	۳/۸	۳/۷	۳/۹	۴/۲	۴/۴
کالری	۳۲/۵	۳۷	۴۲	۲۲/۵	۱۹	۱۴	۱۶	۹/۶	۱۲	۹/۹	۹	۴	۳/۷	۳/۸	۴/۳	۳/۴
معکوس ضریب انگل	۷۵/۵	۷۶	۷۹	۸۳	۸۷	۸۵	۷۹	۷۹	۷۸	۸۲	۸۱	۸۲	۸۴	۸۵	۸۴	۸۵
	۶۵	۶۳	۶۸/۵	۷۴	۷۸	۷۶	۷۰/۵	۷۵	۷۳	۷۶/۶	۷۵	۷۴	۸۰	۷۹	۴۹	۸۰

منبع: یافته‌های پژوهش.

شدت فقر. درصد خانوارهای فقیر شاخصی است که بخشی از جنبه‌های فقر را در جامعه روشن می‌سازد اما، این شاخص دارای نقاط ضعفی است؛ برای مثال اگر در هر یک از

دو جامعه (الف و ب) ده نفر زندگی کنند و در هر یک از آنها دو نفر زیر خط فقر باشند، درصد خانوارهای فقیر در هر دو جامعه ۲۰ درصد است. اما احتمال زیاد وجود دارد که کمبود درآمد فقیرها نسبت به خط فقر در این دو جامعه متفاوت باشد. بر این اساس در کنار شاخص H اغلب از شاخص شکاف فقر نیز استفاده می‌شود. این شاخص نشان می‌دهد که میزان کمبود درآمد هر یک از افراد فقیر چند درصد خط فقر است.

$$I = \frac{\sum_{i=1}^n (z - x_i)}{nz}$$

در رابطه بالا I شدت فقر، Z خط فقر، n تعداد فقیرها و X_i مخارج فقیر i ام می‌باشد. در جدول (۷) شدت فقر در جوامع شهری و روستایی و با توجه به خط فقر مطلق (حداقل نیاز به کالری ۲۱۷۹) و خط فقر نسبی (روش ضریب انگل) درج شده است. برای محاسبه شدت فقر، ابتدا خط فقر محاسبه شده را با مخارج کل تک تک خانوارهای موجود در طرح آماری درآمد و هزینه خانوار تطبیق داده و سپس خانوارهایی که مخارج آنها (X_i) از خط فقر (Z) کمتر بود، به عنوان فقیر در نظر گرفته شدند. پس از آن مجموع تفاضل خط فقر از مخارج خانوارهای فقیر بر خط فقر و تعداد افراد فقیر تقسیم شد. عدد بدست آمده همان شدت فقر بوده و بیانگر آن است که کمبود درآمد هر خانوار فقیر بطور متوسط چه بخشی از خط فقر را تشکیل می‌دهد.

جدول ۷. شدت کمبود درآمد در مناطق شهری و روستایی - درصد

روش خط فقر		۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶
شهری	۲۱۷۹	۳۳/۸	۲۹/۹	۳۳/۴	۳۰/۳	۳۰/۱	۴۸/۱	۲۹/۳	۲۸/۸	۲۹/۶	۲۴	۲۴	۲۳	۲۵	۲۱	۲۲	۲۴
	معکوس ضریب انگل	۵۰/۳	۴۸/۴	۵۲	۵۴/۸	۵۹/۶	۵۶/۵	۵۱/۲	۵۰/۹	۵۱	۵۳	۵۲	۵۳	۵۵	۵۶	۵۶	۵۶
روستایی	۲۱۷۹	۳۷/۲	۳۶/۱	۳۵/۶	۳۳/۳	۳۰/۹	۲۹/۵	۲۹/۹	۲۸/۸	۲۸/۳	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲/۵	۲۳	۲۴
	معکوس ضریب انگل	۴۵/۶	۴۳/۹	۴۴/۹	۴۹/۱	۴۹/۵	۴۸/۲	۴۷/۴	۴۸/۸	۴۷/۷	۴۹	۴۷	۴۶	۴۶	۵۰	۵۰	۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش.

همانگونه که ملاحظه می‌شود شدت کمبود درآمد فقرا براساس خط فقر مطلق (۲۱۷۹ کالری) طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶ در جامعه شهری روند نزولی داشته و به عبارت دیگر شدت و عمق فقر کاهش یافته است؛ بطوری که شدت فقر از ۳۳/۸ درصد در سال ۱۳۷۱، به ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافته؛ در حالیکه شدت فقر براساس مفهوم نسبی فقر طی دوره موردنظر افزایش یافته است. بطوری که مقدار آن در مناطق شهری از ۵۰/۳ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۴۵/۶ درصد در سال ۱۳۸۶ و ۵۶ درصد در سال ۱۳۷۵ و ۵۶ درصد در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است.

ارقام شدت فقر مربوط به جوامع روستایی تصویری مشابه با جامعه شهری را نشان می‌دهد بطوری که بر پایه خط فقر مطلق، شدت کمبود درآمد در جوامع روستایی از ۳۷/۲ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۸۶ کاهش یافته است، اما بر پایه خط فقر نسبی شدت کمبود درآمد برای جوامع روستایی از ۴۵/۶ درصد در سال ۱۳۷۱ به ۵۰ درصد در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است.

اندازه شاخص فقر در ایران بر پایه شاخص سن. در ادامه بحث برای اندازه‌گیری فقر از شاخص سن استفاده می‌کنیم. این شاخص توسط فرمول زیر معرفی می‌شود.

$$P = H[I + (1 - I)G]$$

در فرمول فوق P اندازه فقر، H درصد افراد فقیر، I شدت فقر و G ضریب جینی فقرا است و اندازه P بین صفر و یک می‌باشد. در جدول (۷) شاخص فقر سن برای مناطق شهری و روستایی براساس دو سناریو از خط فقر درج شده است. در سناریوی اول خط فقر براساس مفهوم مطلق فقر و در سناریوی دوم براساس مفهوم نسبی آن محاسبه شده است. پس از محاسبه خط فقر و تطبیق آن با مخارج تک تک خانوارهای موجود در طرح آماری درآمد و هزینه خانوار امکان محاسبه H ، I و P فراهم می‌آید. با استفاده از ارقام شاخص سن (P) در می‌یابیم:

۱. با توجه به مفهوم مطلق فقر، در طی دوره مطالعه اندازه فقر در مناطق شهری و روستایی همراه با نوساناتی سیر کاهنده داشته است.
۲. اگر بر مفهوم نسبی فقر تمرکز کنیم در این صورت مشخص می‌شود که در مجموع، طی دوره مطالعه اندازه فقر افزایش یافته است.
۳. براساس مفهوم مطلق فقر، اندازه فقر در روستاها بیشتر از مناطق شهری بوده است.
۴. براساس مفهوم نسبی فقر، اندازه فقر در شهرها بیشتر از مناطق روستایی بوده است.

جدول ۸. اندازه فقر بر حسب شاخص سن در جوامع شهری و روستایی

طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹

سال	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶
شهری	خط فقر ۲۱۷۹	۰/۱۲۳	۰/۰۹۹	۰/۱۵۵	۰/۰۶۵	۰/۰۷۱	۰/۰۱۲	۰/۰۵۷	۰/۰۴۰	۰/۰۱۳	۰/۰۲۲	۰/۰۱۸	۰/۰۱۲	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	۰/۰۱۳
	کاری(فقر مطلق)															
شهری	خط فقر معکوس	۰/۴۸۲	۰/۴۶۸	۰/۵۱۶	۰/۵۶۴	۰/۶۲۹	۰/۵۸۹	۰/۵۰۸	۰/۵۰۶	۰/۵۰۲	۰/۵۳۹	۰/۵۲۶	۰/۵۴۰	۰/۵۶۸	۰/۵۷۷	۰/۵۸۷
	ضریب انگل (فقر نسبی)															
روستایی	خط فقر ۲۱۷۹	۰/۱۶۵	۰/۱۸۱	۰/۲۰۱	۰/۱۰۳	۰/۰۸۳	۰/۰۶۰	۰/۰۶۶	۰/۰۳۹	۰/۰۴۸	۰/۰۳۶	۰/۰۳۲	۰/۰۱۴	۰/۰۱۲	۰/۰۱۶	۰/۰۱۵
	کاری(فقر مطلق)															
روستایی	خط فقر معکوس	۰/۳۸۹	۰/۳۶۴	۰/۳۹۸	۰/۴۶۶	۰/۴۸۸	۰/۴۶۷	۰/۴۲۸	۰/۴۶۵	۰/۴۴۷	۰/۴۷۸	۰/۴۵۰	۰/۴۴۰	۰/۵۰۳	۰/۴۹۹	۰/۵۰۴
	ضریب انگل (فقر نسبی)															

منبع: یافته‌های پژوهش.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در دو دهه اخیر فقرزدایی هم از طرف کشورها و هم از طرف سازمانهای بین‌المللی و ترتیبات منطقه‌ای همچون UN، ADB، اسکاپ و بانک جهانی مورد توجه قرار گرفته است. مطالعه پیرامون فقر و تلاش برای اندازه‌گیری آن مقدمه‌ای است برای سیاست‌گذاری در جهت فقرزدایی. اندازه‌گیری شاخصهای متفاوت فقر مانند خط فقر، درصد افراد فقیر، شکاف فقر و شاخص فقر (شاخص سن، تاکایاما، فاستر، ...) این امکان را فراهم می‌سازد که نقشه‌ای از فقر در کشور ارائه شود. در این مطالعه نیز با تأکید بر عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی، خط فقر و سایر شاخصهای فقر محاسبه شد. یافته‌های این مقاله دلالت بر این دارد که خط فقر مناطق

شهری بزرگتر از مناطق روستایی است. همچنین مشخص شد که در مناطق شهری و روستایی طی سالهای اجرای برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی درصد افراد فقیر برحسب مفهوم مطلق فقر کاهش یافته است. برحسب مفهوم نسبی فقر در طی دوره ۷۱ تا ۸۶ همواره بیش از ۶۵ درصد از افراد شهری و بیش از ۷۵ درصد خانوارهای روستایی فقیر تلقی می‌شوند. در طی دوره مطالعه این مقاله، درصد خانوارهای فقیر بر مبنای فقر نسبی همواره افزایش یافته است. شدت کمبود درآمد فقرا برحسب مفهوم مطلق فقر هم در جوامع شهری و هم در جوامع روستایی کاهش یافته است؛ در حالیکه برحسب مفهوم نسبی فقر، شدت کمبود درآمد فقرا در طی دوره مطالعه افزایش نشان می‌دهد.

اندازه شاخص سن در مناطق شهری و روستایی دلالت بر آن دارد که برحسب مفهوم مطلق فقر، اندازه فقر هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی در طی دوره مطالعاتی کاهش یافته است. برحسب مفهوم نسبی فقر شاخص فقر سن برای مناطق شهری و روستایی رشد صعودی را به نمایش می‌گذارد. اندازه فقر به لحاظ مطلق در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است؛ در حالیکه برحسب مفهوم نسبی فقر، اندازه شاخص فقر در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است.

در مجموع یافته‌های فوق دلالت بر آن دارد که مجموعه تحولات اقتصادی و اقدامات حمایتی منجر به کاهش فقر مطلق و افزایش فقر نسبی در ایران شده است. همچنین مناطق شهری به لحاظ فقر نسبی با مشکلات بیشتری در مقایسه با مناطق روستایی مواجه است. از آنجا که هدفمند کردن حمایتها مستلزم شناخت دقیق‌تر فقیرها است، لازم است در مطالعات آتی ویژگیهای فقرا مورد بررسی قرار گیرد.

پی‌نوشتها:

۱. اخوی، احمد. *پژوهشی در تغییرات فقر غذایی در طول برنامه اول توسعه آیا فقیران افزایش یافته‌اند؟*. مجموعه مقالات تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵.
۲. اصغرزاده، عبدالله. *نقش الگوی مناسب و متعادل مصرف خوراک در امحای فقر شهری*. مجموعه مقالات تحلیل و بررسی اقتصادی فقر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵.
۳. دینی، علی. «بررسی وضعیت فقر غذایی در ایران». مجموعه مقالات تحلیل و بررسی مصادیق فقر، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۵.
۴. پژویان، جمشید. *سیاستهای حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر*. تهران: معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۷۳.
۵. پژویان، جمشید. *شناسایی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر*. تهران: معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی، ۱۳۷۴.
۶. پژویان، جمشید. «فقر، خط فقر و کاهش فقر». گردهمایی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، (۱۳۷۵).
۷. پژوهشکده آمار. «اندازه‌گیری شاخصهای فقر در ایران»، (۱۳۸۱).
۸. خدادادکاشی، فرهاد. «تحلیل اقتصادی عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی ایران». تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۸.
۹. خدادادکاشی، فرهاد و حیدری، خلیل. «تحلیل عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی و تعیین اثربخشی مخارج خانوارها در تأمین نیازهای غذای». کاربرد برنامه‌ریزی خطی». *پژوهشنامه بازرگانی*، سال ششم، شماره ۲۷، (زمستان ۱۳۸۱).
۱۰. خدادادکاشی، فرهاد و حیدری، خلیل. «ارزیابی نقش اقلام یارانه‌ای خوراکی در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی». *پژوهشنامه بازرگانی*، سال هشتم، شماره ۲۷، (پاییز ۱۳۸۳).
۱۱. خدادادکاشی، فرهاد و حیدری، خلیل. «برآورد سطح امنیت غذایی خانوارها براساس شاخص AHFSI». *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال دوازدهم، شماره ۴، (زمستان ۱۳۸۳).
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. «مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسئله فقرزدایی»، (۱۳۷۹).
۱۳. عظیمی، حسین. *مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
۱۴. محمودی، وحید. *اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران*. انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۱۵. محمودی، وحید. «اندازه‌گیری فقر در ایران». *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، سال ششم، شماره ۲۴، (پاییز ۱۳۸۱).
۱۶. خداداد کاشی، فرهاد. «الگوی مصرف خوراک: تحلیل اقتصادی عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای شهری و روستایی»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۷۹).
۱۷. خداداد کاشی، فرهاد. «جایگاه مخارج خوراکی در سبد مصرفی خانوارهای شهری و روستایی ایران»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۷۹).
۱۸. خداداد کاشی، فرهاد. «مطالعه جامع عملکرد تغذیه‌ای و امنیت غذایی خانوارهای ایرانی»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، (۱۳۸۳).

19. Barret, C. "Food Policy in Criss Management", *Cornell Food and Nutrition Policy Program Working Paper*, No. 117, Cornel University, (2001).
20. Booth, C. (1892) *Life and Labour of the People in London*. Macmillan, London., Qouted in Ravallion., 1998.
21. Comm. Nutr. "Challenges of 21st Century Global Nutrition Challenges: A Life- Cycle Approach", *Food Nutr. Bull.* 21 (Suppl), (2000): 18 – 34.
22. Greer, J. and Thorbecke. "A Methodology for Measuring Food Poverty Applied To Kenya", *Journal of Development Economics*, 24, (1986): 597-74.
23. Orshansky, M. (1963). "Children of The Poor", *Social Security Bulletin*, 26: 3-29. guoted in Ravallion, (1998).
24. Osmani. *Economic Inequality and Group Welfare*. Oxford University Press., (1982).
25. Pajooyan, J. "Establishing the Poverty Live", *Iranian Economic Review*, No.1, (1994).
26. Pena, M. and Bacallao, J. "Malnutrition Ition and Poverty", *Annu. Rev. Nutr*, 22, (2002): 24 - 53.
27. Paul, S. "A Model of Constructing the Poverty Line", *Journal of Development Economics*, 30, (1989): 129-144.
28. Ravallion and Bidani. "How Robust is a Poverty Profile?", *World Bank*.
29. Ravallion, Martin. "Analysis Poverty Lines in Theory and Practice", *World Bank*, (1998).
30. Rogers, B., Nelson, D., Sahn, D. "Assessing the use of Food and: PL. 480 Title II Program in India", *Ecology of Food and Nutrition*, 10 (3), (1981).
31. Rowntree, B.S. (1901). *Poverty: A Study of Town Life*. Macmillan, London, Qouted in Ravallion., 1998.
32. Sen, A. "Poverty: An Ordinal Approach to Measurment". *Econometrica*, 44, (1976): 219- 231.
33. Sen, A. "Poor, Relatively Speaking", *Oxford Economic Paper*, Vol. 35, (1983): 153- 70.
34. Sen, A. *The Standard of Living*. Cambridge: Cambridge University Press., 1987.
35. Sahn, David. "On Economic Reform, Poverty and Nutrition in Africa", *American Economic Review*, 89(2), (1992): 281- 290.
36. Sahn, David. "The Impact of Structural Adjustment for Household Food Security in Africa", *FAO, Food, Nutrition and Agriculture*, 4(2), (99), (1994).

37. Sahn, David, Alderman, H. "On the Determinant of Nutrition in Mosabique: The Importance of Age- Specific Effect"., *World Development*, 25 (4), (1997): 577- 588.
38. Smeeding, Tim. "Poverty, Inequality and Income Distribution in Comparative Perspective"., *Harvester*, (1990).
39. Thurow, L.C. *Poverty and Discrimination*. The Brooking Institution, Washington. D.C., 1969.
40. Townsend, P. "The Meaning of Poverty"., *British Journal of Sociology*, Vol. 13, (1962): 210-227.
41. Wolff, E.N. *Economics of Poverty Inequality and Discrimination*. South-Western., 1997.
42. World Bank, "Absolute and Relative Poverty Rate"., (2000).
43. World Bank, "Introduction to Poverty Analysis"., (2005).
44. Watts, H. "The Iso-Prop Index: An Approach to the Determination of Differential Poverty Income Thresholds"., *The Journal of Human Resources*, Vol. 2, (1968): 3-18.
45. Younger, S. D. "Inequality and Poverty in Africa in Era of Globalization"., *Cornell Food Nutrition Policy Program Working Paper*, (2007).